

# پژوهش‌های مورخان شوروی

درباره

## علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان

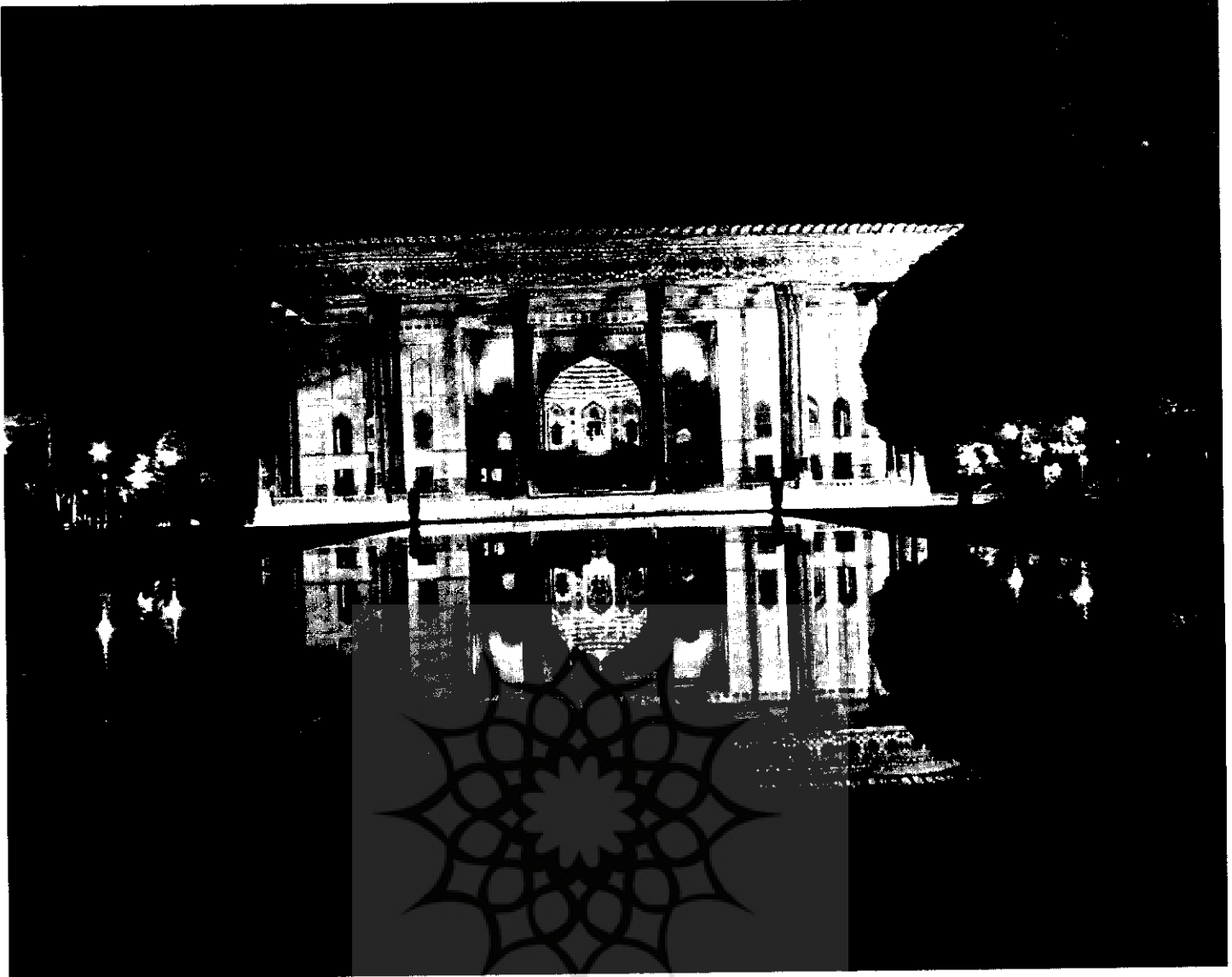
○ دکتر سید هاشم آغاچری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

مشخصی از پژوهش‌های صفویه‌شناسی مورخان شوروی در اختیار ندارند، در مقاله حاضر<sup>۱</sup> معرفی و مروری اجمالی بر برخی از آن پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بدان امید که مترجمی زبان‌دان و تاریخ‌دان کمر همت برینند و با برگردان اصل کتاب‌ها و تحقیقات از روسی به فارسی، استادان و دانشجویان تاریخ کشور را از آنها بهره‌مند سازد.

محققان شوروی سابق بحران‌های ایران در نیمه دوم عصر صفوی (نیمه دوم سده یازدهم و نیمه اول سده دوازدهم هجری/نیمه دوم سده هفدهم و آغاز سده هیجدهم میلادی) را در چهارچوب بحران فتودالیستی مورد توجه قرار داده و تحقیقات متعددی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند. اهمیت این موضوع برای آنان، بویژه از این حیث مطرح است که پیوند مستقیمی با تاریخ معاصر ایران و امر پیشرفت کشورهای اروپایی و آسیایی در آن زمان دارد و با مسائلی از قبیل توضیح تحول ویژه کشورهای خاوری و «عقب‌ماندگی شرق» و ایضاح شرایطی که برای گسترش مناسبات سرمایه‌داری ایران در آینده وجود دارد ارتباط پیدا می‌کند. موضوع سقوط حکومت صفوی در تحقیقات اروپاییان و «تاریخ‌نگاری بورژوایی» نیز مورد توجه قرار گرفته است. اثر بالنسبه مشهور مورخ انگلیسی، لورنس لاکهارت تحت عنوان سقوط سلسله صفوی و اشغال ایران بوسیله افغانها<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۸ منتشر شده است لاکهارت در ربط با علل و عوامل سقوط صفویان بیشتر به مسائل مذهبی و کاهش تدریجی اهمیت مسائل مذهبی که پایه حکومت بوده و به نظر مؤلف قدرت و توان دولت را به تحلیل می‌برد، ناتوانی و ضعف شخصی جانشینان شاه‌عباس یکم و موضوعاتی از این قبیل پرداخته است. محققان ایرانی نیز توجه اندکی به فرآیندها و تحولات اجتماعی و رشد و ترقی داخلی ایران کرده‌اند.<sup>۳</sup>

پژوهش‌های تاریخی مورخان شوروی سابق در باب ایران عصر صفوی، از دیدگاه منطق تاریخ‌نگاری و مبانی تئوریک و روش‌شناختی تحقیق تاریخی دو ویژگی عام و کاراکتریستیک دارد. از یک سو براساس منطق دیامات (دیالکتیک ماتریالیستی)<sup>۴</sup> و دوره‌بندی فرماسیون‌های اقتصادی - اجتماعی<sup>۵</sup> پنجگانه از کمون اولیه و برده‌داری تا فتودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم، عصر صفوی را ذیل دوره فتودالیسم طبقه‌بندی کرده و مسائل و موضوعات ایران صفوی را در ربط با منطق مضمونی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. این رهیافت، ریشه در تعلقات ایدئولوژیک - مارکسیستی تاریخ‌نگاری شوروی دارد. از سوی دیگر، علیرغم مبانی طبقاتی و صبغه غیر ملی ایدئولوژی، تمام جنبش‌های تجزیه‌طلبانه یا مرکزگریز، قبیله‌ای و محلی را زیر عنوان «جنبش‌های ملی یا آزادیبخش» قرار داده و با لحن ستایش‌آمیزی از آنها یاد می‌کنند. علت این امر را باید در تعلقات سیاسی و استراتژی گسترش قلمرو امپراتوری سوسیالیستی به کشورها و سرزمین‌های همجوار و از جمله ایران از زمان استالین به بعد، جست‌وجو کرد. صرف‌نظر از این دو خصلت عام، که واقع‌بینی و دآوری علمی در پژوهش‌های تاریخی محققان و آکادمیسین‌های شوروی سابق را مخدوش کرده است، عطف نظر تاریخ‌نگاری شوروی و بطور کلی مارکسیستی به حوزه‌های اقتصادی - اجتماعی - تاریخ، تا حدود زیادی خلاف یا کم‌توجهی معمول در تحقیقات اروپاییان به حوزه‌های مذکور را پر کرده و برای پژوهشگران و دانشجویان ما می‌تواند الهام‌بخش باشد. از آنجا که جز چند کتاب عمومی یا خاص در باب تاریخ ایران، آثار اندکی از مورخان و محققان شوروی سابق به زبان فارسی ترجمه و منتشر شده و با توجه به اینکه دانشجویان و اغلب محققان ایرانی، آگاهی



اساسی‌ترین عاملی که موجب اقتدار ایران در این دوره شد افزایش میزان قدرت اقتصادی خاندان شاه بود. زاخادر با چنین تحلیلی از خاندان صفوی، رویکردی متفاوت با پژوهشگران غربی و «بورژوازی» از قبیل والتر هیتس<sup>۲</sup> را به نمایش می‌گذارد.

در عصر صفوی شکوفایی اقتصاد و رشد تجارت و صنعت موقت بود و زاخادر علت آن را استثمار کارگران از سوی خان‌ها و بیگ‌ها و دولت فتودالی می‌داند که به تدریج تولید را فلج و اساس دولت را ویران ساخت.<sup>۳</sup> زاخادر در پژوهش‌های صفویه‌شناسی خود به سقوط دولت صفوی اهمیت وافری بخشیده است. امری که از نظر او خروج‌های جدایی‌طلبانه اشراف فتودالی و رشد شورش‌های ضد دولت صفوی نشانگر آن بوده است.

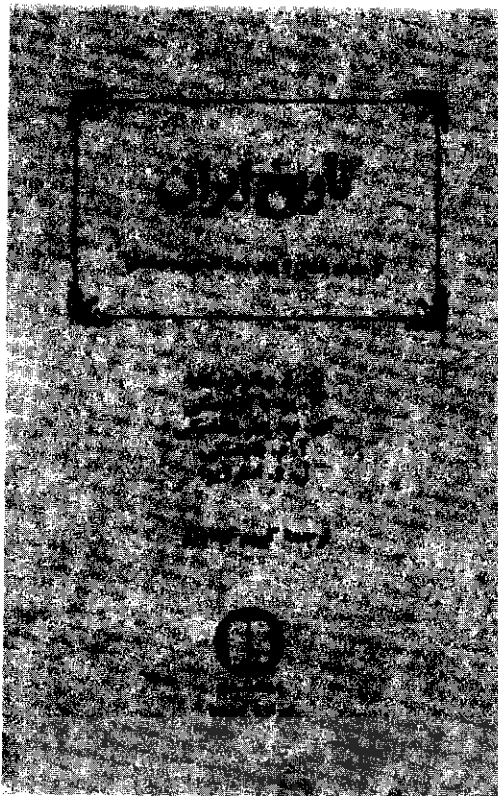
یکی از مراحل مهم در پیشرفت پژوهش‌های شرق‌شناسی و صفویه‌شناسی شوروی، تحقیقات پروفیسور دانشگاه لنینگراد، پتروشفسکی<sup>۴</sup> (Petrushevski. I. P.) است. او آغازگر طرح مسائل تئوریک - تاریخی برخی از موضوعات اجتماعی - اقتصادی ایران «فتودالی» و دیگر کشورهای همجوار آن محسوب می‌شود. پتروشفسکی در اثر تحقیقی خود رساله تاریخی مناسبات فتودالی در آذربایجان و ارمنستان در قرن ۱۶-۱۴ م. و کشاورزی و مناسبات زمینداری در ایران قرن ۱۴-۱۳ م. به پژوهش درباره روابط کشاورزی و چگونگی مالکیت بر زمین و معیارهای زمینداری پرداخته و به تکامل نهادهای فتودالی و تشکیلات و نظام داخلی اراضی فتودالی و اشکال استثمار دهقانان و کشاورزان اهمیت فراوانی داده است. او با تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی به این نتیجه رسیده است که در ایران، آسیای میانه و سرزمین‌های عربی، املاک فتودالی که واحد اقتصادی را همچون غرب، مشخص می‌ساخته وجود

### محققان شوروی سابق بحران‌های ایران در نیمه دوم عصر صفوی (نیمه دوم سده یازدهم و نیمه اول دوازدهم هجری / نیمه سده هفدهم و آغاز سده هیجدهم میلادی) را در چهارچوب بحران فتودالیستی مورد توجه قرار داده و تحقیقات متعددی را در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند

اما ویژگی برجسته آثار مورخان شوروی، توجه به پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، چنانکه هارتین دیکسن، نویسنده کتابی درباره شاه‌طهماسب یکم، ضمن مقاله‌ای تحلیلی راجع به کتاب لاکهارت، اینچنین می‌نویسد: «به استثنای افراد معدودی از دانشمندان اروپای غربی به‌ویژه پرفیسور مینورسکی، در حال حاضر در زمینه پژوهش در باب صفویان، محققان شوروی سابق پیشرو هستند. در واقع تمام ایران و مناطق مجاور آسیای میانه خیلی سریع زیر تأثیر محققان شوروی سابق قرار می‌گیرند و هیچ کار پژوهشی درباره صفویان بویژه ابعاد اقتصادی - اجتماعی آن بدون مراجعه به مقالات و کتاب‌های پتروشفسکی، میکلوخو-ماکلائی، کرد لفسکی، علی‌زاده، آرونو، آروتاتیان، اشرافیان، فیروز، پاپازیان، ریسنر، شاحمالی او! نمی‌تواند به صورت جدی انجام شود»<sup>۵</sup>.

بررسی پژوهش‌های مورخان شوروی نشان می‌دهد که روش‌های آنان در تحلیل و آنالیز داده‌های تاریخی و کشف فرآیندهای داخلی و دورنمای ایران عصر صفوی بر مدل‌های مارکسیستی - لنینیستی متکی است. از جمله این پژوهش‌ها باید از تحقیق پروفیسور زاخادر (Zakhader B. N.) در مورد سلسله صفوی نام برد. فصل مربوط به صفویان در کتاب تاریخ شرق قرون وسطی، منتشر شده در سال ۱۹۴۴ م. و دیگر تألیفات او شامل بررسی و تحلیل تحولات اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره صفوی است. زاخادر این دوره را به مثابه دوره شکوفایی دولت فتودالی در ایران تلقی کرده و بر این نظر است که پیشرفت و استحکام دولت، فعال شدن اقتصاد، اتحاد مناطق گوناگون کشور با یکدیگر و تقویت نیروهای نظامی و جنگی بویژه در سلطنت شاه عباس یکم ۱۶۲۸/۱۵۸۷ م (۹۹۶.۱۰۲۸ ه. ق) به این امر کمک شایانی کرده است. از دیدگاه نویسنده

یکی دیگر از کارهای  
میکلوخو - ماکلائی  
که از دیدگاه  
تحولات اجتماعی و  
ایدئولوژیکی  
تاریخ صفویان  
دارای اهمیت است،  
پژوهش او در باب تشیع،  
مذهب رسمی  
دولت صفوی است



نداشته اما تأکید می‌کند که علیرغم عدم وابستگی ظاهری دهقانان به مالکان، درجه و شدت استثمار آنان بسیار بالا بوده است. او همچنین کوشیده است تا در ارتباط با شورش‌های شهرنشینان علیه حکومت «فتودالی» ایران، مدارک و اطلاعاتی را به پژوهشگران ارائه کند.<sup>۱۱</sup>

پطروشفسکی در کتاب خود به نام اسلام در ایران، قرون هفتم تا پانزدهم<sup>۱۲</sup> که در سال ۱۹۶۶ م. منتشر شد به علل اصلی شورش‌های ایدئولوژیک روستائینان و شهرنشینان علیه ستمگری «فتودالی» توجه زیادی کرده است. پطروشفسکی با تکیه بر دیدگاه مارکسیستی - لنینیستی به بررسی جنبش‌های روستائیان پرداخته و از همین منظر علل ضعف و انحطاط دولت صفوی را ارزیابی کرده است. او افول و نزول اقتصاد ایران در اواخر نیمه دوم قرن هفدهم را یکی از مهم‌ترین علل ورشکستگی و فقر کشاورزان - که زیربنای جامعه فتودالی بوده‌اند - به شمار می‌آورد و می‌نویسد: «کشاورزی که مجبور بود نه تنها محصولات اضافی بلکه بخش عمده خورد و خوراک خود را هم بدهد، ورشکست شد. هم‌زمان با این، اقتصاد بزرگ زمین‌داری که در غرب اروپا و روسیه وجود داشته، در کشورهای آسیایی بوجود نیامده و در کشاورزی نیز رشد سرمایه‌داری مشاهده نمی‌شد از اینرو ورشکستگی کشاورزان، جز بحران اجتماعی - اقتصادی نتیجه دیگری نمی‌توانست داشته باشد همانطور که در انگلستان قبل از عصر پس‌انداز ابتدایی دیده می‌شود.»<sup>۱۳</sup> او یکی دیگر از علل سقوط دولت صفوی را تغییر جاده‌های اصلی تجاری میان اروپا و آسیا در اثر دستیابی اروپاییان به راه دریایی دماغه امیدنیک در جنوب آفریقا می‌داند. از نظر وی این امر موجب تنزل سطح تجارت داخلی ایران و متعاقب آن کاهش سود خزانه شاه و اشراف فتودالی شد. در نتیجه کاهش درآمدهای مذکور قدرت نظامی صفویان نیز رو به ضعف گذاشت. با اینکه رساله‌های پطروشفسکی در باب تاریخ مناسبات فتودالی در حدود دهه پنجاه میلادی نوشته شده اما در تاریخ‌نگاری شوروی آثاری عمیق و دیرپا از خود برجای گذاشت.<sup>۱۴</sup>

یکی دیگر از کسانی که مسائل دولت صفوی را مورد توجه قرار داده مورخ و شرق‌شناس معروف شوروی، ریسنر (Reysner, I.M)، مؤلف مقاله «سقوط قدرت صفوی و تاخت و تاز افغان‌ها در ایران طی سال‌های (۱۹۲۹-۱۷۲۲م)» است.<sup>۱۵</sup> او با ایضاح علل افول اقتصاد دولت صفوی، متذکر مسأله استثمار کشاورزان از سوی فتودال‌ها در اواخر قرن هفدهم میلادی می‌شود که به سبب وضع مالیات‌های سنگین و افزایش تأثیر رباخواران به وجود آمده بود.<sup>۱۶</sup> وی همچنین به مسأله رشد گرایش جنبایی‌طلبی عشایر کوچ‌نشین توجه خاصی مبذول می‌دارد.<sup>۱۷</sup> بررسی این مسائل برای ریسنر این امکان را فراهم آورده است که به مسائل عام‌تر، یعنی مسأله عقب‌ماندگی کشورهای شرقی بطور کلی، بپردازد. طرح این مسأله در دهه پنجاه میلادی به نوبه خود مهم بود و موجب توجه پژوهشگران شوروی به قانونمندی رشد و پیشرفت کشورهای شرقی

پطروشفسکی  
یکی دیگر از علل سقوط  
دولت صفوی را تغییر جاده‌های اصلی  
تجاری میان اروپا و آسیا  
در اثر دستیابی اروپائیان  
به راه دریایی دماغه امید نیک  
در جنوب آفریقا می‌داند

گردید. ریسنر علت اصلی عقب‌ماندگی را در استثمار شدید کشاورزان از سوی فتودال‌ها می‌بیند. این استثمار سرچشمه زور و حاکمیت مضاعف فتودال‌ها بر کشاورزان و ظهور نخستین علایم بورژوازی بود. این وضع به حفظ استثمار فتودالی و ایجاد مشکلاتی برای انتقال به نظام سرمایه‌داری کمک کرد و شرایط رکود بازار در جوامع فتودالی شرق را فراهم آورد.<sup>۱۸</sup>

ورشکستگی اقتصادی کشاورزان به مثابه علت اصلی افول حیات اقتصادی ایران در دوره صفوی، موضوعی است که در پژوهش‌های اشرافیان نیز انعکاس یافته است.<sup>۱۹</sup> دانشمند لنینگرادی، میکلوخو-ماکلائی (Miklokh Maclay, N.D) نیز پژوهش‌های فراوانی را صرف مطالعه مسائل و مشکلات فتودالیسم «پیررس» در ایران کرده است. مقاله میکلوخو - ماکلائی تحت عنوان «حاکمیت افغانها در ایران در دهه بیست قرن هجدهم»<sup>۲۰</sup> ارتباط مستقیمی با این مسأله دارد.

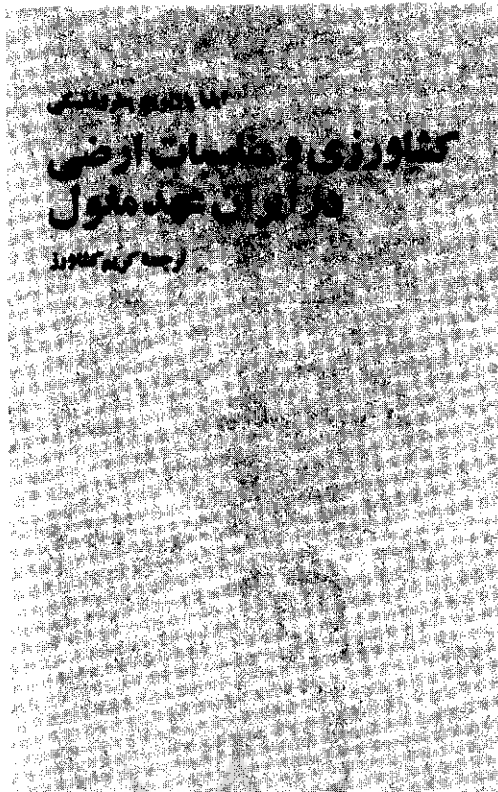
در این مقاله زمان سقوط جوامع فتودالی در ایران مشخص می‌شود. یعنی زمانی که اقتصاد کشور ناگهان سقوط می‌کند و نظام دولتی فرو می‌ریزد (اواخر قرن هفدهم میلادی). مهم‌ترین جنبه این مقاله تشریح شورش‌هایی است که در دهه اول قرن هفدهم تقریباً تمام نقاط قلمرو صفوی را فرا می‌گیرد و خروج قبایل افغانی یکی از آنهاست که مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۲۱</sup> مؤلف مقاله به این واقعیت توجه می‌دهد که اشراف افغانی که در ایران حاکم شدند از نظر میزان رشد اجتماعی و سیاسی از صفویان مغلوب پایین‌تر بودند و در نتیجه خود را ناگزیر می‌دیدند که از نظام ستمگری و تمام اشکال اداره دولتی آنان تقلید کنند.<sup>۲۲</sup> یکی از کارهای مهم این دانشمند انتشار منابع و متون خطی بود. او اسناد و مدارک تازه‌ای را در بررسی مسائل مربوط به صفویه برای پژوهشگران شوروی سابق گشود. کار وی بر روی کتاب محمد کاظم مروی بنام عالم‌آرای نادری نشان داد که در این منبع تاریخی شواهد زیادی از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد که باعطف توجه بدانها می‌توان آخرین مرحله توره صفوی را ارزیابی کرد. میکلوخو - ماکلائی کوشیده است تا براساس این کتاب «مبارزات آزادیخواهانه قبایل و طوایف» را در قندهار، هرات و سایر مناطق، مورد تأکید و شناسایی قرار دهد.

یکی دیگر از کارهای میکلوخو - ماکلائی که از دیدگاه تحولات اجتماعی و ایدئولوژیکی تاریخ صفویان دارای اهمیت است، پژوهش او در باب تشیع، مذهب رسمی دولت صفوی است.<sup>۲۳</sup> اقدامات صفویان در عرضه تشیع به عنوان یگانه مذهب بر اکثر مردم کوچ‌نشین و قبایل قزلباش، بیشتر با اهداف سیاسی ارتباط داشت. این امر برای استحکام دولت ضروری بود و بدینوسیله آن را قادر می‌ساخت تا با مخالفان و دشمنان سیاسی (خارجی و داخلی) مبارزه کند. سیاست صفویان نه تنها بر ضد مذاهب غیر شیعی بلکه علیه دیگر فرقه‌های

زاخادر دوره صفوی را  
به مثابه دوره شکوفایی  
دولت فتودالی در ایران  
تلقی کرده و بر این  
نظر است که پیشرفت و  
استحکام دولت،  
فعال شدن اقتصاد،  
اتحاد مناطق گوناگون  
کشور با یکدیگر و  
تقویت نیروهای نظامی  
و جنگی، به ویژه در  
سلطنت شاه‌عباس یکم  
۱۶۲۸-۱۵۸۷ م / ۱۰۳۸-  
۹۹۶ هـ ق به این امر  
کمک شایانی کرده است



**پطروشفسکی در آثار خود  
به پژوهش درباره روابط  
کشاورزی و چگونگی  
مالکیت بر زمین و  
معیارهای زمینداری پرداخته  
و به تکامل نهادهای  
فئودالی و تشکیلات و  
نظام داخلی اراضی فئودالی  
و اشکال استعمار دهقانان و  
کشاورزان اهمیت فراوان  
داده است**



**یکی از کارهای مهم  
میکلوخو - ماکالای انتشار  
منابع و متون خطی بود.  
او اسناد و مدارک تازه‌ای را  
در بررسی مسائل مربوط به  
صفویه برای پژوهشگران  
شوروی سابق گشود**

شیعی نیز سامان یافته بود. مؤلف، اما، نتیجه می‌گیرد که رشد تعصب مذهبی برای پیشرفت فرهنگی جامعه ایران تأثیر منفی فراوانی داشت و موجب دشمنی کشورهای مجاور با حیات فرهنگی و اجتماعی ایران در قرون شانزده و هفده میلادی شد. از نظر نویسنده علمی همچون فلسفه، منطق و علوم دقیقه رو به انحطاط گذاشت و روابط فرهنگی ایران با آسیای میانه دچار انقطاع و توقف گردید.

یکی دیگر از آثاری که روابط اجتماعی و اقتصادی ایران

را بررسی و تحلیل می‌کند کتاب **اشرفیان و آرونوا** است. این کتاب با نام **دولت نادرشاه افشار**<sup>۲۲</sup> چاپ و منتشر شده است (۱۹۵۸). در یکی از فصل‌های این کتاب که به صفویان اختصاص یافته، به تحول و پیشرفت‌هایی اشاره می‌شود که در شهرها به شکل تقسیم کار بروز کرد. همچنین ایجاد بحران در مبانی فئودالی به سبب فرآیند تجزیه جوامع کشاورزان و ورشکستگی صنعتگران و پیشه‌وران مورد توجه قرار گرفته است. وضعیت کشاورزان در کارهای دیگر آرونوا مورد توجه قرار گرفته است. رساله کاندیدای دکتری او به بررسی و پژوهش این موضوع اختصاص یافته است.<sup>۲۳</sup> یکی دیگر از کوشش‌های آرونوا انتشار فرمان نادرشاه در سال ۱۷۳۹ م (۱۱۵۲ هـ) همراه با بررسی و تفسیر آن است که مهم‌ترین فهرست مالیات‌ها و وظایف کشاورزان در آن گنجانده شده است. این سند مانند دیگر فرمان‌ها، سنگینی استعمار مالیاتی «ایران فئودالی» را به وضوح نشان می‌دهد.<sup>۲۴</sup>

کار **پاپازیان**<sup>۲۵</sup> (Papazian, A. D) نیز مستقیماً به مسأله سقوط اقتصاد ایران می‌پردازد. این پژوهش که رساله کاندیدای دکتری مؤلف است روابط کشاورزی خانات ایران را بررسی می‌کند و شامل انبوهی از اسناد است که برای روشن ساختن وضع کشاورزان و اشکال استعمار و کیفیت بهره‌برداری از اراضی و زمینداری در قرن هفدهم بسیار اهمیت دارد. فرمان‌ها و احکام تجاری که برای اولین بار مورد بررسی قرار گرفته از دیدگاه پژوهش در تاریخ روابط اجتماعی و اقتصادی نه تنها شرق ارمنستان بلکه تمام ماوراء قفقاز و ایران دارای ارزش وافر است. در این پژوهش علمی بیش از سی اصطلاح مالیاتی و خراجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که برخی از آنها برای نخستین بار مطرح می‌شود. مالیات‌های کلیسایی که مانند دیگر مالیات‌های دولتی اجباری بوده است در این اثر جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. مؤلف اصطلاح «مالوجهات» را که از آن تفسیر مشخصی ارائه شده مورد بررسی مجدد قرار داده و نتیجه گرفته است که با این اصطلاح دو نوع مالیات بر املاک تعیین می‌شود. «مال» یعنی تمام انواع املاک شخصی و «جهات» یا «مثال» فقط زمین‌های کاشته شده بوده است.<sup>۲۸</sup> موضوع مهم در پژوهش پاپازیان بررسی همه جانبه مالیات «جزیه» است که از مسیحیان و اهل کتاب اخذ می‌شد. وی ضمناً به افزایش تدریجی میزان این نوع مالیات طی قرن هفدهم نیز اشاره کرده است. نویسنده میزان کلی مالیات را در

**زاخادر در پژوهش‌های  
صفویه‌شناسی خود  
به سقوط دولت صفوی  
اهمیت وافر  
بخشیده است،  
امری که از نظر او  
خروج‌های جدایی طلبانه  
اشراف فئودالی و  
رشد شورش‌های  
ضد دولت صفوی  
نشانگر آن بوده است**

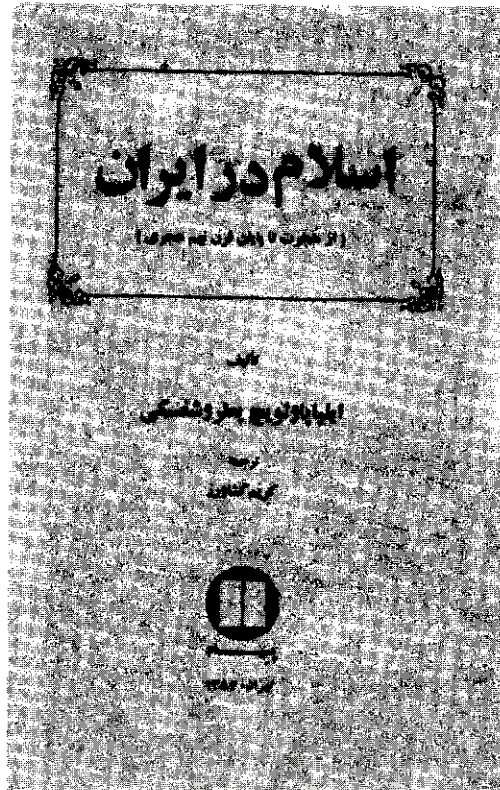
برخی ایالات تنظیم و تدوین کرده است. کشاورزان غیر از این، مالیات سنگین دیگری تحت عنوان «تفاوت جزیه» را به طور سرانه پرداخت می‌کرده‌اند. چنانکه حتی در اواخر این قرن میزان این نوع مالیات از مالیات اصلی بیشتر بوده است.<sup>۲۶</sup> فرمانی که در سال ۱۷۱۰ م (۱۱۲۲ هـ) از سوی شاه سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی صادر گردید رعایا را بیش از پیش به موضوع مالیات متوجه ساخت یا به عبارت دیگر کشاورزان را به زمین وابسته

کرد. تمام این مشکلات موجب می‌شد که توده کشاورز به عنوان اعتراض و به سبب سنگینی مالیات، اراضی - بویژه در مناطق مرزی - را ترک گویند و از انجام وظایف خود در برابر زمینداران امتناع ورزند.<sup>۲۷</sup> برای ابیضح مناسبات ارضی و کشاورزی در ارمنستان انتشار منابع فارسی ماتناداران نقش مهمی دارد. پاپازیان در این زمینه نیز کوشش‌های فراوانی کرده است. چنانکه انتشار دو جلد از اسناد ماتناداران مرهون تلاش‌های اوست.<sup>۲۸</sup> این مجموعه دو جلدی شامل اسناد ارزشمندی است که می‌تواند برای بررسی علل سقوط دولت صفوی بسیار سودمند باشد. مقدمه‌ای که پاپازیان بر این مجموعه نوشته، خود پژوهش مستقلی است. مؤلف با ارزیابی وقایع سیاسی شرق ارمنستان به این موضوع اشاره می‌کند که اسناد فارسی موجود در ایروان اطلاعاتی را که از منابع دیگر بدست آورده‌ایم تکمیل می‌کند. وی تأکید می‌نماید که اچمیادزین (Echmeadzin) که در نیمه دوم قرن هفدهم کار خود را آغاز کرده، به مرکز زندگی متفکرانه و ایده‌های ملی آزادی‌خواهانه تبدیل شد. اقتصاد دیری و کلیسایی ترسایان در سال‌های سی و چهل قرن هفدهم مرحله رشد و شکوفایی خود را طی می‌کرد. پاپازیان موضوع رشد حقوق مصونیت کلیساهای ارامنه را به دقت مطالعه کرده است. «حقوق معافی و معافیت روحانیون از پرداخت جزیه شریطی را فراهم آورد تا ثروت انبوهی در اچمیادزین و دیگر مراکز کلیسایی جمع شود.»<sup>۲۹</sup> مسأله‌ای که در سال‌های اخیر ذهن پژوهشگران شوروی سابق را به خود جلب کرده یعنی رشد اخذ مالیات ملکی، در این نوشته پاپازیان انعکاس یافته است. وی می‌نویسد: «در دوران جاثلیق فیلیپوس (Philippos) خرید املاک با پول عملاً پایه‌گذاری شد و در دوره جانشین او اسقف اعظم آکوپا چوگازی (Acopachugaesy) گسترش یافت. (۱۶۸۰ - ۱۶۵۵ م / ۱۰۹۱ - ۱۰۶۶ هـ)»<sup>۳۰</sup> در نیمه دوم قرن هفدهم، رشد و گسترش ملکداری یکی از علایم بروز بحران در دولت صفوی بود.

انتشار فرامین تا حدودی می‌تواند به روشن شدن ماهیت زمینداری عرفی و روحانی، و حل مسائل مهم مربوط به وضع اجتماعی و مطالبات و منافع طبقاتی کمک کند.<sup>۳۱</sup>

بدین ترتیب مشکلات کشاورزی، وضع اقتصادی دهقانان، مسأله زمینداری فئودالی و سایر مسائلی که با بحران اقتصادی ایران در دوره فئودالیسم «دیررس» ارتباط دارد در پژوهش‌های مورخان شوروی سابق

**انتشار فرامین  
تاحدودی می تواند به  
روشن شدن ماهیت زمینداری  
عرفی و شرعی، و حل  
مسائل مهم مربوط به  
وضع اجتماعی و مطالبات و  
منافع طبقاتی کمک کند**



حلقه اصلی و مرکزی را تشکیل می دهد.<sup>۳۵</sup> بررسی علل و عوامل سقوط اقتصاد ایران بلون تجزیه و تحلیل تحولاتی که در شهرها جریان داشته امکان پذیر نیست. در تاریخ نگاری - بویژه شرق شناسی - شوروی پیرامون شهرهای «فئودالی» تا اواسط دهه شصت میلادی کاری درخور انجام نیافته بود.<sup>۳۶</sup> یکی از پژوهش هایی که به این موضوع اختصاص یافته مقاله کوزنسوف (N. A. Kuznesov) است که به بررسی مسائل زندگانی

شهرهای دوره صفوی پرداخته است.<sup>۳۷</sup> ساختار اجتماعی و اقتصادی شهرهای «فئودالی» برای نخستین بار در این اثر علمی تشریح شده است. مؤلف با بررسی چگونگی تشکیل کارگاه های صنعتی نتیجه می گیرد که علیرغم حاکمیت و سلطه فئودال ها بر شهرها که مانع شکل گیری مناسبات نوسرمایه داری می شده است جریان تقسیم کار بلاوقته پیش می رفت و مراکز بزرگ تجاری و صنعتی ایجاد می شد و جریان از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرها بوقوع می پیوست.<sup>۳۸</sup>

این موضوع یعنی از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرها برای پژوهش های علمی بعدی نقش مؤثری ایفا کرد. در سال ۱۹۶۷ تک نگاری تحقیقی حیدراوف (Heidarov. M. Kh) تحت عنوان تولیدات صنعتی در شهرهای آذربایجان در قرن هفدهم انتشار یافت.<sup>۳۹</sup> در این پژوهش مراحل اصلی رشد تولیدات صنعتی، آمار و ساختار اجتماعی مردم شهرها تشریح شده است. مهم ترین موضوع در کار حیدراوف بررسی ساختار نهادهای صنعتی و از جمله اصناف است. اصناف نهادهای حرفه ای بودند و نه تعاون ساده دینی.<sup>۴۰</sup> پیدایش این نهادها موجب مبارزه اجتناب ناپذیر صنعتگران علیه فئودال های متجاوز به قصد دفاع از منافع خود گردید.<sup>۴۱</sup> در همان حال، وابستگی به حاکمیت فئودالی، ضعف سیاسی این نهادها را به همراه داشت و مانع اثرگذاری آن ها بر حاکمیت شهری می شد. مؤلف تغییراتی را که در نهاد و دستگاه های مانند «کارخانه» (کارگاه های بزرگی که در مالکیت شاه و فئودال ها بود) در قرن هفدهم بوجود آمد بررسی می کند. وی پس از این بررسی نتیجه می گیرد که کارخانه ها با کارگاه های پیشین - مانوفاکتورها در اشکال ابتدایی خود با تقسیم کار و صنعتگران نسبتاً آزاد که در شرایط معینی می توانستند به کارکنان مزدور تبدیل شوند - تفاوت داشت. در کارخانه تخصصی شدن روند تولیدات از اصناف بیشتر بود و این امر موجب رشد کیفیت کار شده بود.<sup>۴۲</sup> اما فقدان برخی امور در کارخانه ها (در شرایط حاکمیت روابط فئودالی) امکان تبدیل آنها را به مانوفاکتورهای واقعی سلب می کرد. مهم تر از همه این فرضیه مؤلف است که می گوید در قرن هفدهم در آذربایجان مانوفاکتورهای ابتدایی با اشکال مترقی تری وجود داشت یعنی صنایع بافتنی محترکان<sup>۴۳</sup> [کسانی که کالاهای عمومی را انبار می کردند تا به قیمت گزاف بفروشند.] و بر این اساس می توان گفت در آذربایجان که از نظر اقتصادی یکی از پیشرفته ترین نواحی دولت بود موجبات و پیش شرط هایی برای رشد

**حل مشکلات مربوط به  
سقوط دولت صفوی در  
پژوهش های  
محققان شوروی سابق  
با موضوعاتی همچون  
رشد تولیدات  
صنایع کشاورزی و  
وضع گروه های اجتماعی  
در روستاهای ایران،  
نقش شهرها و  
حیات شهری،  
ترکیب اجتماعی و  
نتایج جنبش های  
آزادی بخش مردم  
پیوند می یابد.**

**در تاریخ نگاری  
- به ویژه شرق شناسی -  
شوروی، پیرامون  
شهرهای «فئودالی» تا اواسط  
دهه شصت میلادی کاری درخور  
انجام نیافته بود. یکی از پژوهش هایی  
که به این موضوع اختصاص یافته  
مقاله کوزنسوف است که  
به بررسی مسائل زندگانی  
شهرهای دوره صفوی  
پرداخته است**

روابط سرمایه داری وجود داشته است. رکود اقتصاد و کشاورزی عمومی که در اواخر قرن هفدهم آغاز شده و در شهرها نیز گسترش یافته بود مانع پیشرفت نیروی تولیدی در شهرها می شد. جمعیت تجار و صنعتگران کاهش می یافت. کارخانه ها اعتبارشان را از دست می دادند و کیفیت تولیدات صادراتی افت می کرد.<sup>۴۵</sup>

حیدراوف اشاره می کند که فئودال ها با گرفتن تمام اضافه محصول صنعتگران، اساس و ریشه بازده تولیدی را قطع می کردند و نیروهای تولیدی را ویران می ساختند.<sup>۴۶</sup> در بیشتر شهرها، جمعیت به چند برابر کاهش می یافت و در نتیجه به صورت روستاهای معمولی درمی آمدند.<sup>۴۷</sup> حیدراوف افول تولیدات صنعتی را با کاهش نیروهای تولیدی کشاورزی مرتبط می داند. کاهش مزارع کشت گیاهان صنعتی که مواد خام تولیدات صنعتی را به عمل می آوردند بر موضوع بالا تأثیر منفی می گذاشت. وی همچنین به تغییر راه های تجاری که موجب کاهش تولیدات صنعتی و تجاری می شد اشاره می کند. در اواخر دهه شصت مجموعه ای از پژوهش ها درباره مشکلات شهرها منتشر شد. چنانکه در اثر کوتسیا (Kuchia. k.k) چگونگی رشد تجارت در شهرهای ایران دوره صفوی تشریح شده است. وی نشان می دهد که چگونه در نتیجه تکمیل و تعمیق تقسیم کار میان شهر و روستا و تخصصی تر شدن مراکز بزرگ صنعتی در شهرها تجارت رشد پیدا می کند.<sup>۴۸</sup> یکی از خدمات کوتسیا اثبات وجود تعاون بازرگانی در شهرها برای دفاع از منافع بازرگانان است. مؤلف زمان پیدایش این تعاونی ها را اواسط قرن هفدهم می داند. این امر در جای خود نظریه از هم پاشیدن روابط فئودالی در شهرهای آن زمان را تأیید می کند. مؤلف آنجا که از سقوط اقتصاد دولت صفوی سخن می گوید آن را با کاهش تولیدات صنعتی در شهرها و کاهش تجارت در اثر سنگینی بار مالیات مرتبط می داند. همچنانکه علت دیگر سقوط دولت را در این می داند که اکثریت قریب به اتفاق بازرگانان به جای اینکه سرمایه خود را برای توسعه عملیات تجاری به جریان انلاندن آن را صرف خرید املاک و اراضی می کردند (مؤلف این گروه از جمعیت شهری را بازرگان - ملکنار می نامد) و یا اینکه سرمایه خود را به کشورهای مجاور ایران انتقال می دادند.<sup>۴۹</sup> کوتسیا به مسائلی همچون مبارزه اجتماعی در شهرهای دولت صفوی نیز توجه دارد. در مقاله او موضوع جنبش نقطویان و چگونگی ایدئولوژی آنان مورد بررسی قرار گرفته است. او در این زمینه می نویسد: نقطویان با نفی جزمیت و دکماتیسیم در واقع دولت، شخصیت صدور و اشرافیت فئودالی را نفی می کردند و به مبارزه با دولت فئودالی صفویان و ایدئولوژی رسمی آن می پرداختند.<sup>۵۰</sup>

اقتصاد باکو در کتاب آشور بایلی (Ashurbaily. S) مانند دیگر پژوهش ها افزایش مالیات عمومی در اواخر قرن هفدهم و اوایل نیمه نخست قرن هیجدهم را نشان می دهد.<sup>۵۱</sup>



دولت‌های شرقی

مشکلات کشاورزی،  
وضع اقتصادی دهقانان،  
مسأله زمینداری فتودالی و  
سایر مسائلی که با  
بحران اقتصادی ایران  
در دوره فتودالیسم «دیررس»  
ارتباط دارد در پژوهش‌های  
مورخان شوروی سابق حلقة اصلی و  
مرکزی را تشکیل می‌دهد

جنبش‌های مخالف دولت  
در مرزهای شرقی صفوی نیز  
به عنوان جنبش‌های آزادی‌بخش و  
به مثابه علائم بحران  
سلطنت صفوی در  
پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی  
جایگاه خاصی یافته است

پژوهش‌های تاریخی کوکانف (Cucanov, N. G) و میکریتیچیان (Micritichian L. ch. Ter) به مسأله نقش بازرگانان ارمنی در حیات اقتصادی دولت صفوی اختصاص یافته است.<sup>۵۲</sup>

کوکانف این چنین نتیجه گرفته است که «مایندگان سرمایه‌های بزرگ ارمنه طی نیمه اول قرن هفدهم زیر سیاست‌های حمایت‌گرایانه دولت صفوی ثروت‌های انبوهی را بدست آوردند و همراه با فتودال‌ها و خان‌های

ایرانی در به اسارت درآوردن اهالی شهر و روستا شرکت جستند.»<sup>۵۳</sup>

محققان شوروی برای روشن ساختن اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی شهرهای دولت صفوی کوشش‌های فراوانی کرده‌اند. از جمله می‌توان از کسانی همچون کوتسیا (Cuchia, K. k) آقاجانف (Agajanov, S. G) علی اوف (Aliyev. S)، پناهیان (Panahian. A) و دیگران نام برد.<sup>۵۴</sup> درباره این موضوع انتشار منابع بخصوص یادداشت‌های سیاحان روسی از ارزش فراوانی برخوردار است.<sup>۵۵</sup> کتاب تاریخ ایران از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم که در سال ۱۹۵۸ انتشار یافته یکی از اساسی‌ترین مطالعات پژوهشگران شوروی درباره سلطنت صفویان است. مؤلفان این اثر، پطروشفسکی، یاکوبوفسکی، پیکولوسکایا، استروویا و بلیتسکی برپایه منابع و مطالعات، شکل مناسبات ارضی دولت را ترسیم کرده و نقش کوچ‌نشینان نظامی و دیوانسالاری شهری و وضع صنعت و تجارت ایران را تشریح نموده‌اند. آنها نشان می‌دهند که اساس قدرت دیوان‌سالاری و بوروکراسی دولتی را افزایش بودجه دولت یا اراضی دیوانی و افزایش نفوذ خاندان شاه پس از اصلاحات شاه‌عباس یکم تشکیل می‌دهد است.<sup>۵۶</sup> در این تحقیق، چگونگی اخذ مالیات و نقش کوچ‌نشینان در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور از جایگاه مهمی برخوردار است. مؤلفان همچنین علل و عوامل سقوط دولت صفوی را بررسی می‌کنند. نخستین علائم سقوط دولت اگر نگوییم زودتر باید گفت که از سال‌های هفتاد قرن هفدهم تعقیب و تحقیق شده است.<sup>۵۷</sup> پژوهش‌های دهه شصت در شوروی بیشتر با تحلیل مفصل مضمون اشکال وابستگی کشاورزان و صنعتگران و نیز تشریح سیاست مالیاتی و تأثیر آن بر گروه‌های گوناگون جمعیت ارتباط دارد.

تاریخ جنبش‌های مردمی در پژوهش‌های تئوریک - تاریخی از جایگاه مهمی برخوردار است. مجموعه‌ای از پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی به موضوع جنبش‌های راهی‌بخش دوره سقوط صفویان و تجزیه ایران اختصاص یافته است. تحقیق آروتانیان (Arutanian P. T) تحت عنوان جنبش‌های راهی‌بخش مردم ارمنی در اوایل نیمه نخست قرن هیجدهم در این میان مقام نخست را داراست. نویسنده بخش‌های مهم زندگی مردم ارمنی در ارمنستان را مورد توجه قرار داده و کوشیده است تا مشکلات کشاورزان را که در اثر استثمار «فتودال‌های ایرانی» بر آنان تحمیل شده بود نشان دهد. وی همچنین مسأله زمینداری بزرگ راهبان ارمنی را بررسی می‌کند. یکی از ویژگی‌های کار آروتانیان کوشش برای اثبات

وابستگی دهقانان سرف به مالک زمین می‌باشد.<sup>۵۸</sup> آروتانیان ضمن تشریح بحران دولت صفوی به روابط آشتی‌ناپذیر اشراف کوچ‌نشین با حکومت مرکزی توجه زیادی کرده و می‌نویسد: «اشراف قبایل کوچ‌نشین همانگونه که در آغاز حکومت صفویان از نقش مهمی برخوردار بودند در اواخر دوره آن حکومت نیز اهمیت زیادی داشتند.»<sup>۵۹</sup> وی با اتکا و استناد به اسناد و مدارک می‌کوشد تا تجزیه سیستم اداری و نظامی ایران صفوی را نشان دهد.

از دیگر کارهایی که به بررسی «جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در قفقاز علیه اشراف ایرانی» اختصاص یافته پژوهش تامای<sup>۶۰</sup> (Tamay. A) و علی اوف<sup>۶۱</sup> (Aliyevph. M) و دیگران است. بررسی علی اوف متضمن تشریح بحران اقتصادی دولت و وضع دهقانان و شهرنشینان در آذربایجان در ارتباط با افزایش مالیات‌هاست. وی کوشیده تا داده‌ها و اطلاعاتی جدید در باب تظاهرات ضد دولت صفوی در آذربایجان ارائه کند.

جنبش‌های مخالف دولت در مرزهای شرقی صفوی نیز به عنوان جنبش‌های آزادی‌بخش و به مثابه علائم بحران سلطنت صفوی در پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی جایگاه خاصی یافته است. خانم آرونوا (Armnova M. P) در پژوهش‌های خود مبارزه قبائل در قندهار که موجب تشکیل شیخ‌نشین مستقل در سال ۱۷۰۹ م (۱۱۲۱ هـ) گردید را تشریح کرده است. او به جنبه مذهبی و ایدئولوژیکی مبارزه نیز توجه کرده و به تأثیر انگیزه مذهبی در انگیزه مضاعف قبایل برای مبارزه ضد دولتی می‌پردازد.<sup>۶۲</sup> در یکی از کارهای آرونوا شورش هرات در سال ۱۷۱۶-۱۷۳۲ م (۱۱۴۵-۱۱۲۸ هـ) که در نتیجه افزایش زیاد از حد ستم مالیاتی و ورشکستگی دهقانان و شهرنشینان به وقوع پیوست مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.<sup>۶۳</sup>

کتاب دوجلدی تاریخ افغانستان نوشته ماسون (Masson. V. M) و رومادین (Romadin V. A) برای پژوهشگران تاریخ صفویان اهمیت بسیاری دارد.<sup>۶۴</sup> همچنان که مقاله گانگوفسکی (V. Gancovscly) تحت عنوان تاریخ محاصره قندهار از طرف نادرشاه افشار در سال ۱۷۳۸-۱۷۳۷ م (۱۱۵۱-۱۱۵۰ هـ) از این نظر قابل توجه است که مؤلف آن بر اهمیت گواهی‌ها و شواهد روسی درباره تاریخ افغانی‌های آن زمان تأکید می‌ورزد. این منابع می‌تواند برای ایضاح مشکلات اجتماعی و اقتصادی تاریخ شیخ‌نشین قندهار مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۶۵</sup> همچنانکه در بررسی وضعیت سخت تاجیک‌ها و خزری‌ها که بخش عمده جمعیت قندهار را تشکیل می‌دادند و مالیات زیادی که به دولت صفوی و سپس به خود ولایت‌نشین قندهار می‌پرداختند بکار می‌آید.<sup>۶۶</sup> کشف علل سقوط ایالت قندهار در سال ۱۷۳۸ م (۱۱۵۱ هـ) به فهم فرآیندهای اجتماعی دوره تجزیه دولت صفوی که قبایل افغانی درگیر آن بوده‌اند کمک زیادی می‌کند.

بدین ترتیب حل مشکلات مربوط به سقوط دولت صفوی در

یکی دیگر از  
کوشش‌های آرونوا،  
انتشار فرمان نادرشاه در  
سال ۱۷۳۹ م / ۱۱۵۲ هـ  
همراه با بررسی و تفسیر  
آن است که  
مهمترین فهرست  
مالیات‌ها و وظایف  
کشاورزان در آن  
گنجانده شده است



## برای ایضاح مناسبات ارضی و کشاورزی در ارمنستان، انتشار منابع فارسی ماتناداران نقش مهمی دارد. پاپازیان در این زمینه نیز کوشش‌های فراوانی کرده است، چنانکه انتشار دو جلد از اسناد ماتناداران مرهون تلاش‌های اوست

در این کتاب اشاره‌ی درستی هم به این موضوع می‌شود که از آغاز نیمه دوم قرن هفدهم انحطاط شهرهای ایران بروز می‌کند که علل و عوامل آن خیلی کم مطالعه شده است.<sup>۶۹</sup> کارهای بعدی پژوهشگران شوروی به تحلیل تشکیل اقتصاد کشاورزی، بررسی وضعیت قشرهای مختلف مردم ایران و بیش از همه مردم شهرها معطوف شده است تا مقدمات و موجبات پیشرفت سرمایه‌داری در این کشور را روشن سازد. بررسی و مطالعه زندگی اقتصادی در اراضی جوامع کلیسایی (و بیش از همه مراکز دینی تشیع) دلایل تازه‌ای را در باب رشد املاک زمینداری بدست خواهد داد. مطالعه ناحیه‌ای زندگی قبایل کوچ‌نشین، امکان ارتباط متقابل بخش یکجانشینی و صحرائشینی در ایران را فراهم خواهد ساخت. پژوهشگران شوروی سابق در دهه هفتاد کوشیده‌اند تا با گردآوری و ارائه داده‌ها و فاکت‌های تازه‌ای، مبارزات «ضد فئودالی» و «آزادی‌بخش مردمی» در مقطع ظهور بحران عمیق در دولت صفوی در نیمه دوم قرن هفدهم و آغاز قرن هیجدهم را تشریح و تبیین کنند. آنان بر این باور بودند که بررسی‌ها و جمع‌بندی‌های بیشتر در این زمینه، امکان ارائه صورت کامل‌تر نظام اجتماعی و اقتصادی ایران را در عصر ماقبل سرمایه‌داری ایجاد می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- Dialectic Historic یا Dialectic Materialism

۲- Social -Economic Formation

۳. مقاله حاضر با اقتباس از مقاله «آراء مورخان شوروی در باب علل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره حکومت صفویان» نوشته ن. م. سوخاروا نگارش یافته است. برای اصل روسی مقاله مراجعه کنید به:

مجموعه مقالات، اداره کل هیئت‌تحریریه ادبیات شرقی، مسکو، ۱۹۷۱. از آقای الخان قلی‌اف دانشجوی کارشناسی‌ارشد دانشگاه تربیت‌مدرس، به خاطر ترجمه مقاله به فارسی سپاسگزارم.

۴-Lockhart L., The Fall of the safavi Dynasty

on the Afghan occupation of: perisa, Newyork, cambridge, ۱۹۵۸

لارنس لاکهارت: انقراض سلسله صفویه، ترجمه دکتر اسماعیل دولت‌شاهی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۴.

۵. به عنوان نمونه بنگرید به: نصرالله فلسفی: تهران، بی‌تا.

پژوهش‌های محققان شوروی سابق با موضوعاتی همچون رشد تولیدات صنایع کشاورزی و وضع گروه‌های اجتماعی در روستاهای ایران، نقش شهرها و حیات شهری، ترکیب اجتماعی و نتایج جنبش‌های آزادی‌بخش مردم پیوند می‌یابد. در اوایل دهه هفتاد میلادی مسأله رشد تطبیقی کشورهای شرق و غرب توجه زیادی را در میان محققان شوروی برانگیخت. ایران‌شناسان و افغان‌شناسان شوروی سابق در این راه کوشش بسیاری کرده و با توجه به «شیوه تولید آسیائی» (Mode of Production Asiatic) که مسیر تک‌خطی تاریخ جوامع بشری را در دوران فرم‌اسیون‌های برده‌داری و فئودالی نقض می‌کرد و نظریه رسمی اتحاد شوروی را به چالش می‌کشید تلاش کردند تا مشکلات عام و خاص پیشرفت تاریخی کشورهای شرق را بررسی کنند و در پایان به این نتیجه رسیدند که اشکال مختلف فرمانروایی فئودالیستی در کشورهای آسیائی از ثبات و پایداری بسیاری برخوردار بوده است. محصول مذاکرات پژوهشگران شوروی، که کوششی برای نجات نظریه تک‌خطی و دیالکتیکی - ماتریالیستی تاریخ هم محسوب می‌شد بدین صورت اعلام گردید که: «ما هرچه بیشتر بررسی و مطالعه می‌کنیم، وجوه مشترک و عمومی مراحل طی شده توسط بشر در طول تاریخ جهانی، بیشتر خود را برای ما نمایان می‌سازد.»<sup>۶۷</sup>

یکی از آثار مهم در زمینه تاریخ در اواخر دهه شصت، انتشار یک مجموعه سه‌گانه (تریلوزی) تحت عنوان جنبش‌های آزادی‌بخش مردمی در آسیا و آفریقا (۱۹۶۸، ۱۹۶۷) است. بخش اول این پژوهش در کتابی بنام عصر مبارزه نابرابر (۱۹۶۷) چاپ شده است. در این کتاب تشریح مسائل ایران در قرون شانزده تا هیجده میلادی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گرایش به گسترش املاک شخصی فئودالی، تحول و پیشرفت‌هایی که در برخی از شهرهای ایران بوجود آمده بود مانند ایجاد کارگاه‌های بزرگ بافنده، تولید رنگ‌های گیاهی، تولیدات چرمی، کاغذ، شیشه و سایر کالاها و مسأله تقسیم کار از جمله مسائلی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه‌گیری آن نیز اینچنین است که گرچه تولیدات صنعتی در ایران قرون شانزده و هفده به میزان تولیدات سرمایه‌داری یعنی مانوفاکتوری نمی‌رسید اما در همین مسیر در حال پیشرفت بود.<sup>۶۸</sup>



۶-Dickson M. B., The Fall of the safavidi Dynasty, 'Journal of the Middle Eastern Studies Society', Vol. 22, 1992, No. 4, P. 503.

۷- والتر هینتس، محقق آلمانی، در بررسی علل تشکیل دولت صفوی، اساساً بر جنبه مذهبی آن تأکید ورزیده است، بنگرید به:

Hinz W., Yrans aufstieg Zum nationalstat in fung zehnten jahrhundert, Berlin und Leipzig, ۱۹۳۶, P. ۱۲

این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

والتر هینتس: تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکلوس جهانداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۶، چاپ اول.

۸- زاخادر: تاریخ شرق قرون وسطی (خلافت و شرق نزدیک)، مسکو، ۱۹۴۴، فصل سقوط دولت صفوی، صص ۱۴۸-۱۴۷ و نیز همان مؤلفه تاریخ جهان.

۹- پطروشفسکی: «شرق میانه نزدیکه تاریخ فرهنگ مآخذشناسی» مجموعه مقالات به افتخار هفتمین سالگرد پطروشفسکی، مسکو، ۱۹۶۸ م.

۱۰- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

ایلیا پاولویچ پطروشفسکی: کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۷، چاپ سوم.

۱۱- پطروشفسکی: «شورش صنعتگران و طبقه فقیر شهری در تبریز در سال‌های ۱۵۳۳-۱۵۳۲» در «تاریخ آذربایجان» و نیز «شورش مردمی در گیلان در سال ۱۶۲۹ با ترجمه فارسی از متن کتاب تاریخ گیلان قومی» (همانجا).

۱۲- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است: ایلیا پاولویچ پطروشفسکی: اسلام در ایران (از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴، چاپ چهارم.

۱۳- پطروشفسکی: رساله‌ها درباره تاریخ مناسبات فئودالی در آذربایجان و ارمنستان در اوایل قرن پانزدهم تا قرن شانزدهم.

۱۴- البته بوده‌اند برخی پژوهشگران که طرح ارائه شده از سوی پطروشفسکی را برای تبیین و توضیح پارهای روندها در تاریخ فئودالیسم کشورهای شرق نزدیک ناکافی دانسته و بر پژوهش‌های عمیق‌تر و مشخص‌تری تأکید می‌ورزیده‌اند از جمله: نادر ازه Nadiradze L. I: مسائل نظام اجتماعی و اقتصادی دولت‌های غرب و خلفا در تاریخ‌نگاری شوروی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی فئودالیسم در کشورهای شرق (رساله‌های تاریخ‌نگارانه)، مسکو، ۱۹۶۹ م.

۱۵- سخنرانی‌ها و گزارش‌های دانشکده تاریخ دانشگاه دولتی مسکو، مسکو.

۱۶- همان، ص ۶۷.

۱۷- همان، ص ۶۴.

۱۸- ریسنر: عصر مبارزه نابرابر، مسکو، ۱۹۶۷، ص ۴۳۰.

۱۹- اشرفیان (Ashraphian. K. Z): «سقوط قدرت صفوی در سال‌های ۱۷۲۲-۱۵۰۲ م» در رساله‌هایی درباره تاریخ‌نویس کشورهای شرق میانه، مسکو، ۱۹۵۱، ص ۱۸۸.

۲۰- میکولوخوماکلائی: «تاریخ حاکمیت افغانها در ایران در دهه بیستم قرن هیجدهم» در «یادداشت‌های علمی دانشگاه دولتی لنینگراد» مجموعه علوم شرق شناسی، شماره ۱۷۹ و نیز میکولوخوماکلائی: «صرف اراضی ایران از سوی افغانها (۱۷۳۰-۱۷۳۲ م)» تاشکند ۱۹۴۵ م.

۲۱- همان، ص ۱۱۹.

۲۲- همان، ص ۱۴۹.

۲۳- میکولوخوماکلائی: «شعب و چهره اجتماعی آن در ایران طی قرون پانزدهم تا هفدهم» در مجموعه مقالات به افتخار یادبود آکادمیک کروشفسکی، لنینگراد، ۱۹۵۸ م.

۲۴- این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

م. ر. آرونووا، ک. ز. اشرفیان: دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید مومنی، تهران، انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶، چاپ دوم.

برای نقدی بر این کتاب بنگرید به:

دکتر رضا شعبانی، نقدی بر کتاب «دولت نادرشاه افشار» ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد تابستان ۱۳۴۲.

۲۵- م. ر. آرونووا: رشد استعمار فئودالی و مبارزه توده مردم ایران در سال‌های سی و چهل قرن هیجدهم، لنینگراد، ۱۹۵۶ م.

۲۶- آرونووا: «فرمان نادرشاه» شرق شناسی صفوی، ۱۹۵۸، شماره ۲؛ و نیز از همان مؤلف: فرمان نادرشاه افشار (۱۷۳۶-۱۷۳۷) به عنوان منبع تاریخ مسکو، ۱۹۶۰ م، بیست و پنجمین کنگره بین‌المللی شرق شناسان، سخنرانی‌های نمایندگان شوروی، ص ۹-۱۰.

۲۷- پایازیان: روابط کشاورزی در خانات ایروان در قرن هفدهم، ایروان، ۱۹۵۴ (رساله کاندیدی علوم تاریخی).

۲۸- همان، ص ۲۶؛ و نیز: «معنی فنی اصطلاحات مالیاتی» «مالوجهات» روزنامه ایروستیا، ارمنستان، شماره ۲.

۲۹- پایازیان: روابط کشاورزی، پیشین، ص ۲۶.

۳۰- همان، ص ۲۸.

۳۱- پایازیان: «سناد فارسی ماتاداران، فرامین» (قرن ۱۶-۱۵)، چاپ دوم، ایروان، ۱۹۵۶.

۳۲- همان، ص ۲۷۱.

۳۳- همان، ص ۲۹۱-۲۹۲.

۳۴- رجوع شود به: پایازیان: اسناد رسمی فارسی و عربی و ترکی ماتاداران در قرون چهاردهم تا نوزدهم و اهمیت آنها برای بررسی وضع زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای شرق نزدیکه مسکو، ۱۹۶۰.

## پژوهش‌های تاریخی کوکائف و میکربیتچیان به مسأله نقش بازرگانان ارمنی در حیات اقتصادی دولت صفوی اختصاص یافته است

## پژوهش‌های دهه شصت در شوروی بیشتر با تحلیل مفصل مضمون اشکال وابستگی کشاورزان و صنعتگران و نیز تشریح سیاست مالیاتی و تأثیر آن بر گروه‌های گوناگون جمعیت ارتباط دارد

## مجموعه‌ای از پژوهش‌های صفویه‌شناسان شوروی به موضوع جنبش‌های رهایی‌بخش دوره سقوط صفویان و تجزیه ایران اختصاص یافته است

۲۵- رجوع شود به: کوکایین (Kulagin. L. M)، خلاصه ادبیات شوروی همراه با تاریخ ایران طی سال‌های ۵۸-۱۹۵۶، اطلاعات مختصر دانشگاه شرق شناسی، مسکو، ۱۹۶۰ م؛ کوکایین و کوزنیچف (Kuznechov N.A): ایران شناسی در شوروی، مسکو، ۱۹۶۲ م؛ و استروو (Struve V. V) شرق شناسی شوروی طی چهل سال، مسکو، ۱۹۷۰ م.

۲۶- بلووا (Belova N.K): برخی از مسائل شهری ایران قرون وسطی در تاریخ‌نگاری شوروی، کنگره علمی بین‌دانشگاهی درباره تاریخ کشورهای آسیا و آفریقا در تاریخ‌نگاری شوروی، مسکو، ۱۹۶۶، ص ۴۹.

۲۷- کوزنیچف: ارزیابی مبارکی که تولیدات صنعتی شهرهای ایران در آغاز قرن هفدهم تا قرن نوزدهم را تشریح می‌کند، یادداشت‌های علمی دانشگاه شرق شناسی، مسکو، ۱۹۵۹، صص ۷۸-۸۰.

۲۸- همان، ص ۱۰۸؛ و نیز: اشرفیان و کوزنیچف: «ایران در نیمه قرن هفدهم و قرن هیجدهم» تاریخ جهان، ج ۵، مسکو، ۱۹۵۸، ص ۲۸۸.

۲۹- حیدروف: «تولیدات صنعتی در شهرهای آذربایجان در قرن هفدهم» باکو، ۱۹۶۷؛ و نیز: حیدروف: «تأسیس و رشد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در شهرهای ایران صفوی در قرن هفدهم» در «درباره تاریخ پیدایش سرمایه‌داری در کشورهای شرق» مسکو، ۱۹۶۲.

۴۰- حیدروف: «تولیدات صنعتی در...» ص ۱۱۹-۱۱۷.

۴۱- همان، ص ۱۱۹.

۴۲- همان، ص ۱۴۸.

۴۳- همان، ص ۱۴۷.

۴۴- همان، ص ۱۵۲.

۴۵- همان، ص ۱۵۲.

۴۶- همان، ص ۱۸۱.

۴۷- همان، ص ۱۸۲.

۴۸- کوتسیا: شهرها و زندگی شهری در ایران صفوی، تفلیس، ۱۹۶۷، صص ۱۶-۱۵.

۴۹- همان، ص ۱۸۰-۲۰.

۵۰- کوتسیا: از «تاریخ جنبش‌های اجتماعی در شهرهای صفوی» مردم آسیا و آفریقا، ۱۹۶۸، شماره ۲، ص ۷۱.

۵۱- آنوربایی: رساله علمی درباره «تاریخ باکوی قرون وسطی»، باکو، ۱۹۶۴، ص ۳۳۹.

۵۲- کوکائف نقش بازرگانان ارمنی در رشد تجارت ایران و روسیه در اواخر نیمه دوم قرن هفدهم (بر اساس مدارک CGADA)، مسکو، ۱۹۶۱؛ و میکربیتچیان: ارمنستان تحت حکومت نادرشاه، مسکو، ۱۹۶۳.

۵۳- کوکائف همان، ص ۲۳.

۵۴- کوتسیا: «مبارکی در ارتباط با اصطلاحات منابع تاریخی، تبول و باج بر اساس اطلاعات نوزبان یعنی مبارکی گرجی و فارسی» ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۵، شماره ۲؛ و آقاجانف: اصطلاحات صنعتی آسیای میانه و ایران، ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۵، شماره ۴؛ و علی‌اوف- پناهیان: نقش خلیفه در دوره صفویان، ملل آسیا و آفریقا، ۱۹۶۸، شماره ۱.

۵۵- فئودو کاتف (Phedot Katov): بازرگان و گردش او در ایران، مسکو، ۱۹۵۸.

۵۶- پیگولوسکایا (Pigulovskaia N. V)، پطروشفسکی (Petrushevscii. P) یا کوپوفسکی (Yakubovscii. Y)، استروویا (Stroieva. V) و بلینتسکی (A. M. Belenichisci): تاریخ ایران از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم، لنینگراد، ۱۹۵۸، ص ۱۲۷؛ این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است:

ن. و. پیگولوسکایا/ آ. یو. یا کوپوفسکی/ آ. بی. پطروشفسکی/ ا. م. بلینتسکی/ ل. و. استروویا: تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان قرن هیجدهم میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۴، چاپ چهارم.

۵۷- همان، ص ۶۱۱ و در ترجمه فارسی ص ۵۷۳.

۵۸- آرونووا، جنبش رهایی‌بخش مردم ارمنی در نیمه اول قرن هیجدهم، مسکو، ۱۹۶۴.

۵۹- آرونووا، همان، ص ۱۳۱.

۶۰- تامای: تاریخ مبارزه استقلال طلبانه مردم داغستان و آذربایجان، (نیمه اول قرن هیجدهم)، ماخاچکاله، ۱۹۵۱ (رساله کاندیدی)، ص ۷۰.

۶۱- علی‌اوف: جنبش آزادی‌بخش مردمی در آذربایجان در نیمه اول قرن هیجدهم، باکو، ۱۹۶۷ (رساله دکتری) ص ۱۸-۱۶.

۶۲- آرونووا: «تاریخ مبارزه استقلال طلبانه افغانی‌ها و تشکیل دولت افغانی در نیمه اول قرن هیجدهم» اطلاعات مختصر دانشگاه ملل آسیا، مسکو، ۱۹۶۲.

۶۳- آرونووا: «شورش هرات ۱۷۳۲-۱۷۳۶» در «افغانستان مستقل، استقلال چهل ساله» مسکو، ۱۹۵۸.

۶۴- ماسون و رومادین: تاریخ افغانستان، مسکو، ۱۹۶۶-۱۹۶۴.

۶۵- گانگوفسکی: تاریخ محاصره قندهار توسط نادرشاه افشار در سال‌های ۱۷۳۸-۱۷۳۷، اطلاعات مختصر دانشگاه شرق شناسی، مسکو، ۱۹۶۰، ص ۲۷۰.

۶۶- همان، ص ۳۳.

۶۷- «مور خاص و عام کشورهای شرقی» در پیشرفت تاریخی، مسکو، ۱۹۶۶، ص ۲۶۳.

۶۸- «عصر مبارزه نابرابر» مسکو، ۱۹۶۷، ص ۱۴.

۶۹- همان، ص ۱۴، همچنین رجوع شود به «تاریخ کشورهای خارجی آسیا در قرون وسطی» مسکو، ۱۹۷۰، ص ۵۸۴.